

## اردن<sup>۱</sup>

عزالدین رضائزاد<sup>۲</sup>

### چکیده

«اردن» از سرزمین‌های کهنی است که به خاطر نام رود معروف در آسیای غربی، از شهرت جهانی برخوردار است. پیشینه تاریخی آن را می‌توان در کتاب مقدس و منابع تاریخی یافت که به خاطر اهمیت منطقه و نیز رود مهم آن، در داستان‌های مذهبی و رخداد‌های تاریخی نام آن آمده است. در سبب نام‌گذاری این منطقه به «اردن» دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است.

تقریباً از زمان ظهور اسلام، این منطقه به صورت‌های گوناگون مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است و در قرون مختلف از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. پیشینه دینی این کشور قبل از اسلام به یهودیت و مسیحیت برمی‌گردد که در حال حاضر نیز پیروانی از آن دو دین در این منطقه وجود دارند. کشور اردن از ترکیب قومی و فرهنگی همانند فلسطینیان، اردنی‌های ساکن ساحل شرقی، بادی‌نشینان، چرکس‌ها و چچن‌ها برخوردار است.

واژگان کلیدی: اردن

### نام‌گذاری

کشوری که امروز به نام «اردن» مشهور است و نام رسمی آن «المملکة الاردنية الهاشمية» ثبت شده، کشوری در آسیای جنوب غربی است که پس از پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی با نام «ماوراء اردن» با قیمومت انگلستان به وجود آمد و در پایان دوره قیمومت، در سال ۱۹۴۸ میلادی با تغییراتی که در مرزهای آن داده شد، به صورت کشوری پادشاهی درآمد.

«اردن» پیش از آن‌که نام کشور باشد نام رودی در آسیای غربی است که با وجود کوتاهی و کم‌آبی، به دلایل تاریخی، از جمله رودهای مشهور جهان است. اهمیت امروزی این رود در آن است که بخش‌هایی از آن مرز میان کشورهای اردن، فلسطین و سوریه را تشکیل می‌دهد و فعالیت

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۱/۲/۹؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۳/۹.

۲- استادیار جامعه المصطفی ص العالمیه.

کشاورزی آن مناطق به این رود بستگی دارد. به تعبیر بریتانیکا (X/275) رود اردن نزد پیروان یهود، مسیحی و اسلام به طور یکسان از حرمت خاصی برخوردار است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۵۰۶).

سبب نام گذاری این رود و منطقه آن به «اردن» کاملاً روشن نیست؛ برخی آن را برگرفته از نام رودی در جزیره کرت می دانند. عده ای آن را از واژه عبری «یوردان» به معنای پایین رونده دانسته اند که ترکیبی است از دو واژه «یور» به معنای نهر و «دان» به معنای سریع. برخی نیز آن را از ریشه عربی «ورد» (به آب رسید، یا به آب نزدیک شد) دانسته اند که این تشخیص با واژه «الشریعة» (آبشخور) که از سوی عربها بر این رود اطلاق می شود، هماهنگی دارد.

طبق آنچه که در دائرةالمعارف بریتانیکا (X/275) آمده، در متون یونانی این رود «اولون» (Aulon) نامیده شده است.

به گفته بستانی (ج ۹، ص ۲۵۴) در کتاب مقدس ۱۶۰ بار به نام اردن اشاره شده است. دهخدا مواردی چند از موضوعات مرتبط به «اردن» در کتاب مقدس را آورده است. (دهخدا، ۱۳۲۸، ج ۵، ص ۱۷۷۶). و به تعبیر دائرةالمعارف الاسلامیة، در زمان جنگ های صلیبی به «الشریعة الکبیرة» اشتها داشته است که هنوز هم اعراب بدوی آن را بیشتر به همین نام می خوانند. (پیشین).

### پیشینه تاریخی اردن

اردن با نام رودخانه اش در تاریخ شناخته شد. ساکنان اطراف این رودخانه در حوادث تاریخی شهرت یافته اند. اردن به عنوان یک کشور مستقل، پدیده ای متعلق به قرن بیستم است. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در گزارشی نسبتاً مفصل، درباره اهمیت تاریخی رود اردن آورده است:

«رود اردن تاکنون اهمیت تاریخی خود را به عنوان یک عامل عمده در ارتباطات حفظ کرده است، به طوری که امروز هم بستر آن محل عمده شاهراه های ارتباطی بین شمال و جنوب و شرق و غرب است. در انتهای جنوبی اردن و قبل از آن که آب این رود به بحرالمیت بریزد، بزرگراه عمان - قدس به طول ۸۸ کیلومتر واقع است که ۵۲ کیلومتر آن در مشرق و ۳۶ کیلومتر آن در مغرب پل قرار دارد. از این بزرگراه دو راه درجه دوم از الشاغور در مشرق و اریحا در مغرب رود اردن رو به شمال کشیده شده که در طول دره اردن تا دریاچه طبریه و از دو طرف این دریاچه در غور حوله تا نزدیکی مرز لبنان، امتداد دارد.

در طول این دو راه شمالی جنوبی در دو نقطه، یکی در دامیه در جنوب و دیگری در معاد در شمال، راه های دیگری رود اردن را قطع کرده و ارتباط بین سواحل شرقی و غربی را برقرار ساخته اند.

علاوه بر این دو راه اصلی شرقی غربی، در طول دو راه عمده شمالی جنوبی دره اردن، جاده‌های درجه دوم چندی نواحی ساحلی را به داخل کشور اردن و فلسطین مرتبط می‌سازند. در کتاب مقدس نام اردن همواره همراه با اریحا، یعنی نقطه‌ای که قوم بنی‌اسرائیل در مقابل آن از رود اردن عبور کرده‌اند، آمده است. (اعداد، ۱:۲۲). در همان کتاب از وادی اردن نیز نام برده شده، و لوط نبی آن را مانند جنت خدا و سرزمین مصر وصف کرده است. (پیدایش، ۱۰:۱۳). مرتفعات اردن را ناحیه اطراف رود اردن (یوشع، ۱۰:۲۲) و بخش‌های پایینی و مجاور رودخانه را که از جنگل مستور بوده، به نام بیشه‌های اردن نامیده‌اند. در آن‌جا بوده است که پسران پیغمبران به منظور قطع اشجار می‌رفته‌اند (دوم پادشاهان، ۴:۶) و آن‌جا را سرزمین حیوانات خطرناک و از جمله شیر دانسته‌اند (ارمیا، ۱۹:۴۹).

در آن زمان‌ها عبور از رود اردن از طریق همان گذرگاه‌ها انجام می‌شده است، چنان که یعقوب علیه السلام با همراهان در راه بیت ابل (پیدایش، ۳۵: ۱-۷) و در مراجعت به کنعان در نزدیک سکوت از آن عبور کرده است (پیشین، ۱۷:۳۳). معروف‌ترین روایات مربوط به رود اردن در طول تاریخ، عبور بنی‌اسرائیل از این رود است که از نقطه‌ای مقابل اریحا صورت گرفته، و شرح مفصل آن در فصل سوم از کتاب یوشع آمده است. از آن‌جا که عبور از رود اردن در آن نقطه و در آن فصل بسیار دشوار بوده، متوقف شدن جریان آب را معجزه دانسته‌اند. نظیر این مورد در تاریخ رود اردن چندبار به ثبت رسیده است. از جمله در ۱۲۶۷ میلادی جریان رودخانه به مدت هشت ساعت قطع شده، و در ۱۵۴۶ میلادی دو روز تمام و در ۱۹۲۷ میلادی به مدت ۲۱/۵ ساعت آب در رودخانه جریان نداشته که هر سه مورد به علت زمین‌لرزه و ریزش بدنه‌های دره اردن که قبلاً بدان اشاره شده، بوده است. از آن‌جا که عبور از اردن معجزه دانسته شده، این رودخانه جنبه تقدس خاصی پیدا کرده، و آب آن شفابخش فرض شده است (دوم پادشاهان، ۱۰:۵). بعدها که حضرت عیسی به وسیله یوحنا در آب‌های رود اردن غسل تعمید یافت، جنبه تقدس و شفابخشی آن رودخانه تقویت شد.

در قرآن کریم به صراحت ذکری از رود اردن به میان نیامده، ولی مفسران بر این عقیده‌اند که در داستان طالوت می‌فرماید: «فلما فصل طالوت بالجنود قال ان الله مبتليکم بنهر فمن شرب منه فلیس منی و من لم یطعمه فانه منی...» (بقره/۲۴۹).

مقصود از «نهر» همان رود اردن است. (رجوع شود به: طبری، ۳۹۰/۲ - ۳۹۱؛ طوسی، ۲۹۳/۲ - ۲۹۴؛ فخرالدین رازی، ۱۹۲/۶؛ سیوطی، ۷۵۹/۱ - ۷۶۰).

رود اردن که مانع بزرگی در رفت و آمد اقوام ساکن دو طرف آن بوده، همواره نقش یک عامل جداکننده اقوام و فرهنگ‌ها و سنن را بر عهده داشته، و مرز بین اقوام و فرهنگ‌ها بوده است. پیش از

بنی اسرائیل این رود سرزمین کنعان را که تابع مصر بوده، از آن چه بعداً سرزمین موعود خوانده شده، جدا می کرده است. (اعداد، ۱۲:۳۴).

در زمان بنی اسرائیل هر دو سمت رودخانه به تصرف آنان درآمده، ولی در سده‌های بعد اردن مرز بین متصرفات پادشاهی ایران و ناحیه یهودیه که تحت نفوذ یونانیان بوده، به شمار می‌رفته است. در زمان سلطه رومی‌ها که بر هر دو سوی رود اردن تسلط یافته بودند، نقش مرز بودن این رودخانه منتفی گردید. در همان زمان رومی‌ها که راه‌سازی‌های آنان در تاریخ معروف است، اقدام به ساختن راه‌ها و مخصوصاً پل‌ها بر روی رودخانه اردن کردند که جسر بنات یعقوب را می‌توان بهترین نمونه آن دانست.

پس از ظهور اسلام و تصرف منطقه به وسیله فاتحان مسلمان، رود اردن دوباره مرز بین فلسطین و اردن شد. مسلمانان از طریق دره رود یرموک به دره اردن سرازیر شدند و پس از شکست دادن هراکلیوس امپراتور بیزانس در جنگ معروف یرموک (۱۵ ق / ۶۳۶ م) به تدریج تمام سوریه و فلسطین و مصر را به تصرف خود درآوردند.

در ایام حکومت ممالیک رود اردن ابتدا جزو سرزمین دمشق و سپس تابع نابلس شد و این حالت قرن‌ها پایدار بود تا این که در ۱۹۲۱م در نتیجه به وجود آمدن امیرنشین ماوراء اردن دوباره به صورت مرز سیاسی مهمی در آمد که تا ۱۹۴۸ میلادی به همان حال باقی بود. در آن سال و در جریان جنگ استقلال، افراد لژیون عرب ماوراء اردن از این رود عبور کرده، کوهستان‌های نابلس و حبرون را در مغرب اردن و سپس در ۱۹۶۷م تمامی بخش جنوبی دره اردن را به تصرف خود درآوردند، در حالی که بخش شمالی دره را رژیم صهیونیستی (اسرائیل) در تصرف داشت. در ۱۹۵۳ میلادی اسرائیل در جنوب دریاچه حوله اقدام به ایجاد تأسیساتی به منظور انتقال آب اردن به صحرای خشک نقب کرد که این اقدام با مخالفت اعراب مواجه شد و به منازعات بین‌المللی و ارجاع امر به شورای امنیت سازمان ملل متحد منجر گردید. (در ۱۹۵۵ میلادی طرح معروف به طرح جانستون (سفیر وقت آمریکا) به منظور حل منازعات منطقه‌ای بر سر استفاده از آب اردن پیشنهاد شد که در آن سهم سالانه هر یک از کشورهای ذی‌نفع از مجموع آب اردن و یرموک تعیین شد.

از آنجا که این طرح به نفع اسرائیل تهیه شده بود، وی آن را پذیرفت، ولی اتحادیه عرب آن را مردود اعلام کرد. سپس اسرائیل در اجرای طرح به ایجاد آب‌راه ملی (National Water Conduit) و انتقال آب از دریاچه طبریه به سرزمین نقب اقدام کرد. کشورهای عربی به منظور خنثی کردن این اقدام اسرائیل در صدد منحرف ساختن آب سرچشمه‌های رود اردن به نواحی عرب‌نشین برآمدند که اقدامات آنها به مداخله نظامی اسرائیل در ۱۹۶۷ میلادی و جنگ معروف شش روزه منجر

گردید. در پایان این جنگ، سواحل رود اردن از نقطه گشر (Gesher)، (جسر) تا بحرالمیت نوار آتش‌بس بین اردن و اسرائیل شناخته شد.

در حال حاضر حاصبانی که شاخه اصلی رود اردن است در خاک لبنان و دو سرشاخه دیگر اردن یعنی بانیاس و دان در تصرف اسرائیل است و آب‌های حیات‌بخش اردن ریشه اصلی منازعات دیرپا و جنگ و جدال‌های رسمی و غیررسمی و آشکار و پنهان میان کشورهای منطقه محسوب می‌شود». (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۵۱۰-۵۱۱).

### اسلام در اردن

در سال ششم هجری اولین طلایه‌داران مسلمان که به دستور پیامبر ﷺ برای شناسایی راه‌های منطقه فرستاده شده بودند، در حوالی طفیله و کرک به شهادت رسیدند. در سال هشتم هجری پیامبر اسلام با ارسال نامه‌ای، امیر موته را به اسلام دعوت کرد، ولی او سفیر پیامبر ﷺ را به شهادت رساند. به دنبال این حادثه، پیامبر اکرم ﷺ سه هزار نفر را به فرماندهی زید بن حارثه به موته فرستاد و در پی جنگی که بین سپاهیان روم و مسلمانان درگرفت، فرمانده سپاه اسلام کشته شد و سپاه اسلام به مدینه بازگشت. قبور شهدای موته در روستای «المزار» کنونی در ۱۲ کیلومتری جنوب کرک قرار دارد. پس از چند ماه سپاهیان اسلام به منطقه تبوک در شمال حجاز رفتند و در آنجا بود که عقبه و اطراف معان، پرداخت جزیه به پیامبر اکرم ﷺ را قبول کردند. سپاه اسلام به فرماندهی اسامه پس از پیامبر ﷺ پیروزی‌هایی در جنوب فلسطین به دست آورد. در همین ایام به خلیفه وقت اطلاع دادند که رومیان با جمع‌آوری سپاهی متشکل از اعراب غسانی در تدارک حمله به مسلمانان می‌باشند. ابوبکر با فرستادن سپاهی به فرماندهی چهار نفر از جمله خالد بن ولید ضمن شکست دادن رومیان در سال ۶۳۶ بر بلاد شام و فلسطین مسلط گشت. با واگذاری حکومت شام به معاویه از سوی عمر، منطقه اردن و فلسطین زیر سلطه امویان قرار گرفت و با تعیین دمشق به عنوان مرکز حکومت امویان، اردن که از آن به عنوان محل تفریح و شکارگاه امرای اموی استفاده می‌شد، رونق یافت. انتقال حکومت از امویان به عباسیان و انتخاب بغداد به جای دمشق به عنوان مرکز حکومت، باعث متروک شدن اردن گردید.

در زمان سلجوقیان، اولین جنگ‌های صلیبی آغاز گردید و مسیحیان تلاش کردند بیت‌المقدس را از مسلمانان بازپس گیرند و سرانجام در سال ۱۰۹۹ صلیبیون با شکست دادن مسلمانان وارد بیت‌المقدس گردیدند. در همین زمان صلاح‌الدین ایوبی که ابتدا وزیر خلیفه فاطمی بود، پس از وفات خلیفه به فرزندان خردسال وی اجازه خلافت نداد و با الحاق مصر به شام که جزئی از حکومت عباسیان به شمار می‌رفت و به دنبال مرگ حاکم دمشق، خود را فرمانروای مصر و شام خواند.

صلاح‌الدین با فراهم آوردن سپاه در سال ۱۱۸۷ بر صلیبیون پیروز شد و بیت‌المقدس را از چنگال آنها درآورد و کنترل فلسطین و شرق اردن را به دست گرفت. (ملکی، ۱۳۷۵، ص ۱۳ و ۱۴).

قلاعی هم‌چون قلاع کَرک به عنوان بقایایی از استیلای صلیبیان هنوز در این سرزمین برپاست. در گرماگرم جنگ‌های صلیبی که اردن در تصرف فرنگیان بود، عبدالکریم سماعی (متوفای حدود ۵۶۲ قمری) جمعی از علما و اهل حدیث مشهور اردنی معاصر یا پیش از خود را برشمرده است. این سرزمین از اوایل سده دهم قمری به تصرف ترک‌های عثمانی درآمد و جزئی از ولایت دمشق گردید و تا سال ۱۲۹۷ هجری قمری که با از هم پاشیدن امپراتوری عثمانی، از این امپراتوری جدا شد، در بوته فراموشی بود و تاریخی ساکن داشت.

از ابتدای استیلای عثمانی‌ها بر این سرزمین، منطقه ماوراء اردن تا سیزده سال بعد، از خاطرها محو شد، تا آن‌که سیاحان اروپایی دوباره در سده نوزدهم قمری آن را کشف کردند. در تمامی طول مدت استیلای ترک‌های عثمانی بر بیت‌المقدس و سرزمین‌های پیرامون آن (از جمله اردن)، هیچ‌گونه امنیتی در زمینه آمد و شد در این نواحی، به خصوص برای مسیحیانی که برای زیارت به بیت‌المقدس می‌رفتند، وجود نداشت و بنابر آنچه جووانی ماریتی در سفرنامه خود گزارش داده، در اواخر سده دوازدهم هجری، «پاشای بیت‌المقدس با محافظان بسیار، زوار مسیحی را تا اردن همراهی می‌کرد، اما این کار تنها زمانی صورت می‌گرفت که باج معمول صحراگردها بدیشان پرداخت می‌شد»، (نک: اسعدی، بیت‌المقدس، ۷۲-۷۳). در این دوران آمد و شد کاروان‌های حج هم‌چنان یکی از منابع مهم درآمد این منطقه بود. در حالی که سلاطین عثمانی تضمین امنیت آمد و شد کاروان‌های حج را یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های خود می‌دانستند، اعراب صحراگردی که در حاشیه خط سیر کاروان‌های حج پراکنده بودند، نیز گرفتن باج از این کاروان‌ها را حق خود تلقی می‌کردند.

در فاصله سال‌های ۱۸۳۱ تا ۱۸۴۱ میلادی منطقه اردن با همه بلاد شام تحت استیلای خدیو محمدعلی پاشا، کارگزار صوری حکومت عثمانی در مصر، درآمد و این امر نشانه‌ای از ضعف عمومی امپراتوری عثمانی بود.

استیلای محمدعلی پاشا و پسرش ابراهیم پاشا بر بلاد شام اگر چه از لحاظ انتظام یافتن امور اداری به نفع سوریه بود، اما در منطقه اردن منشأ اثر چندانی نشد، زیرا این منطقه نه از لحاظ جمعیت و نه از لحاظ توان مالی آن‌چنان نبود که نیاز فاتحان را برآورد.

هم‌چنین، خطوط مواصلاتی و بازرگانی زمینی، دیگر آن اهمیت سده‌های ۱۴ و ۱۵ میلادی، یعنی عصر ممالیک را نداشت. این اوضاع به کاهش چشمگیر اهمیت ناحیه جنوب شرقی بلاد شام، یعنی اردن، انجامید و باعث شد که این منطقه در دوره ده ساله حکومت مصریان نیز در بوته فراموشی قرار گیرد. سرانجام پس از ده سال، روسیه و انگلیس، مصریان را از این مناطق عقب راندند و اداره آن را به

عثمانی واگذاشتند. رؤف سعد ابوجابر که خود اردنی است، مدعی است که «بعد از ده سال، مردم ماوراء اردن از این که می‌دیدند سلطه مصر بر این سرزمین پایان می‌یابد، ناخرسند نبودند» (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۵۲۷-۵۲۸). در سال ۱۹۹۶ میلادی رشید پاشا، والی سوریه، حکومت مرکزی را پس از ۱۵۰ سال در ناحیه سلط و دیگر نواحی جنوب شرقی بلاد شام، یعنی اردن، مستقر کرد. (پیشین).

یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای ترکان در این دوره جدید سلطه بر منطقه ماوراء اردن، احداث خط آهن حجاز با مشارکت آلمان بود. این خط آهن در سال ۱۹۰۲ میلادی از دمشق به عمان، در سال ۱۹۰۴ میلادی به معان و در سال ۱۹۰۸ میلادی به مدینه رسید. این دست‌آورد برای بدویان و صحراگردان ماوراء اردن به منزله از دست رفتن درآمدی بود که از رهگذر عبور کاروان‌های حج از این سرزمین نصیبشان می‌شد. قبیله‌نشینانی که از انواع «ظلم و جورهای» مقامات حکومتی برآشفته بودند، سرانجام در سال ۱۹۱۰ میلادی به سبب شایع شدن خبر برنامه‌ریزی‌های حکومت عثمانی برای افزایش مالیات‌ها، خلع سلاح قبایل و سربازگیری از میان ایشان، دست در دست شیوخ خود که به سبب مصادره زمین‌هایشان و دلایل و بهانه‌های مختلف دیگر ناراضی بودند، سر به شورش برداشتند و موج این شورش‌ها از جبل دروز در حاشیه صحرا در شمال، تا کرک و طفیله در جنوب را فراگرفت. قبیله‌نشینان خطوط آهن را تخریب کردند و سیم‌های تلگراف را بریدند، قطارها را متوقف کردند و به چندین ایستگاه راه‌آهن حمله بردند و شماری از کارمندان و محافظان نظامی آنها را کشتند، اما چون اقداماتشان ناهماهنگ بود و چندان نیز مورد حمایت مردم قرار نگرفت، نیروهای حکومت مرکزی تقریباً بدون هیچ مشکلی آنان را سرکوب کردند و دوباره تا شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ میلادی تسلط خود را بر منطقه حفظ کردند. (اسعدی، ص ۵۲۸).

پس از ایوبیان، اداره منطقه به ممالیک واگذار گردید. خاندان ممالیک مساجد و مدارس در شهرهای فلسطین بنا نمودند و توانستند جلو حمله مغول به آن دیار را بگیرند و اروپا را از خطر هجوم مغول نجات دهند. در سال ۱۵۱۶م سپاهیان عثمانی به فرماندهی سلطان سلیم بر سپاهیان ممالیک غلبه کردند و بدین ترتیب ولایات دمشق و فلسطین به دست عثمانیان افتاد. عثمانیان اداره منطقه را به شیوخ و رؤسای قبایل سپردند. ابراهیم پاشا فرزند محمدعلی با حمله به سوریه، فلسطین و شرق اردن و مناطقی را که جزئی از حکومت عثمانی به‌شمار می‌رفت به مصر ملحق نمود.

پس از جنگ جهانی اول و به دنبال تشکیل دولت مستقل ماوراء اردن، اداره آن به خاندان هاشمی واگذار گردید. به این ترتیب، اداره اردن را از زمان ورود اسلام به این منطقه، به‌جز دوره جنگ‌های صلیبی که مدتی مسیحیان بر منطقه حاکمیت یافتند، حاکمان اسلامی و یا با ظاهر اسلامی بر عهده داشته‌اند و همین امر باعث گردیده است که اسلام در سراسر آن سرزمین رسوخ کند.

حاکمان اسلامی این سرزمین همگی از اهل سنت بوده‌اند و بنابراین طبیعی است که مذهب عامه، بیشتر در این کشور رواج یابد. از فرقه‌های چهارگانه اهل سنت نیز اردنیان اکثراً پیرو مذهب شافعی هستند و چرکس‌ها که در اواخر قرن نوزدهم در اردن سکونت داده شده‌اند، دارای مذهب حنفی می‌باشند. (ملکی، پیشین، ص ۱۴ و ۱۵).

### مسیحیت

اردن از قدیم‌الایام محل سکونت و گذر پیروان ادیان آسمانی به‌ویژه یهودیت و مسیحیت بوده است. ذکر نام اردن در کتاب مقدس، از وقوع حوادث مختلف تاریخی در این سرزمین حکایت می‌کند. از جمله گروه‌های دینی قدیمی که در اردن ساکن می‌باشند مسیحیان‌اند که بزرگترین اقلیت دینی غیرمسلمان این کشور را تشکیل می‌دهند. مسیحیان در حال حاضر بیشتر در شهرهای مادبا، سلط، امان و کرک زندگی می‌کنند.

مسیحیان در کرک به چند قبیله تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: نظیرالمعایطه، البقاعین، المسله، الصناع، الحدادین، و العزیزات. دو قبیله اخیر از قبایل اصیل اردنی می‌باشند و گفته می‌شود از بازماندگان غسانیان قرن هفتم میلادی هستند. مسیحیان اردن که در گذشته بیشتر در ناحیه کرک زندگی می‌کردند، در سال ۱۸۸۰ به دنبال اختلاف آنها با بعضی از قبایل مسلمان، به وسیله دولت عثمانی در روستای مادبا که در آن زمان خرابه‌ای بیش نبود، سکونت داده شدند و همین امر باعث پخش شدن آنان در نقاط مختلف گردید. در حال حاضر حدود دویست هزار نفر از جمعیت اردن را مسیحیان تشکیل می‌دهند که دو سوم آنها را ارتدوکس‌های یونانی‌الاصل و یک سوم را کاتولیک‌های یونانی‌الاصل و پروتستان تشکیل می‌دهند. پروتستان‌های اردن بر خلاف ارتدوکس‌های این کشور مولود فعالیت‌های مبلغان اواخر سده نوزدهم میلادی به شمار می‌آیند. (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۵۱۶).

وجود این مسیحیان یونانی‌الاصل نتیجه تسلط یونانیان ارتدوکس بر بیت‌المقدس در گذشته می‌باشد. تعداد اندکی پروتستان، ارمنی، آشوری، و همچنین جمعی از کاتولیک‌های رومی که از بازماندگان جنگ‌های صلیبی می‌باشند، در این کشور زندگی می‌کنند. اعراب مسیحی اردن، بانک‌داری و بازرگانی این کشور را تحت نفوذ و تسلط خود دارند. این امر شاید به لحاظ آموزش برتر و تمکن مالی بهتر آنان باشد. در گذشته به لحاظ برتری آموزش در مدارس مسیحی، بسیاری از اردنیان، فرزندان خود را به این مدارس می‌فرستادند. این امر در حال حاضر کمتر به چشم می‌خورد. (ملکی، پیشین، ص ۱۷).



ناگفته نماند که بیشتر مسیحیان اردن شهرنشین‌اند و به امور اداری، اجرایی و بازرگانی اشتغال دارند و در شهرهای امان، کرک، سلط، مادبا و در ساحل غربی در قدس، رام‌الله، بیت لحم و روستاهای مجاور این شهرها ساکن‌اند. (موسوی بجنوردی، پیشین).

### دخالت مسیحیان در امور فرهنگی - سیاسی

مسیحیان ساکن اردن که گروه معتبر دینی قبل از اسلام در منطقه به شمار می‌رفتند، در مسائل فرهنگی و اجتماعی دخالت داشته‌اند. پس از ورود اسلام به منطقه و گسترش جمعیت مسلمانان، اقلیت مسیحی اردن از نظر حقوقی، فرهنگی و سیاسی جذب جامعه اردن شده، ولی سنت‌های دینی و اصول مذهبی خاص خود را حفظ کرده است. مسیحیان اردن از لحاظ احوال شخصی تابع محاکم خاص خود هستند. در مجلس شورای اردن همواره چند کرسی به مسیحیان تخصیص داده شده است؛ چنان‌که در سال ۱۹۶۰م از شصت کرسی مجلس نه کرسی در اختیار آنان بود و سپس شمار نمایندگان مجلس به ۱۴۲ نفر افزایش یافت که هفده کرسی از آن سهم مسیحیان است. (پیشین).

### ترکیب قومی و فرهنگی

تحولات تاریخی اردن باعث شده است که جمعیت امروزی آن به‌رغم اشتراکات در زبان و مذهب، از نظر نوع معیشت و تفاوت‌های طبقاتی از عناصر چندی تشکیل شود. از این رو می‌توان جمعیت اردن را مرکب از سه عنصر (مهم) فلسطینی، اردنی و بدویان (بادیه‌نشینان) دانست.

### الف) فلسطینیان

فلسطینیان، ساکن ساحل غربی رود اردن بودند که از لحاظ معیشتی، بیشتر شهرنشین و اهل حرفه و نسبتاً پیشرفته، و دارای فرهنگی مترقی بودند. آنها بر اثر رویدادهای تاریخی در چند موج به ساحل شرقی رود اردن مهاجرت کردند. نخستین بار پیش از سال ۱۹۲۸ میلادی و در فاصله کوتاهی که از تشکیل دولت ماوراء اردن می‌گذشت، به ساحل شرقی مهاجرت کرده، در عمان که تازه امتیاز پایتختی نصیب آن شده بود و نیز در دیگر شهرهای نوبنیاد ساحل شرقی رحل اقامت افکندند. موج دوم مهاجرت فلسطینیان به مقیاس وسیع پس از سال ۱۹۲۸ میلادی و تصرف سرزمین‌های ساحل غربی به وسیله اردن به وقوع پیوست و این جریانی بود که تا سال ۱۹۶۷ میلادی ادامه داشت. سومین موج مهاجرت فلسطینی‌ها به ساحل شرقی بعد از جنگ کوتاه ۱۹۶۷ میلادی و تصرف سرزمین‌های ساحل غربی به وسیله رژیم غاصب صهیونیستی (اسرائیل) بود. مهاجران موج سوم بر خلاف کسانی که در گذشته با میل شخصی در ساحل شرقی سکنی می‌گزیدند، این بار زیر فشارهای رژیم

صهیونیستی و به صورت دسته‌جمعی از رود اردن عبور کردند و چون در ساحل شرقی جا و مکانی نداشتند، به عنوان پناهنده و زیر چتر سازمان ملل در اردوگاه‌ها ساکن شدند. این مهاجران فلسطینی هنوز پس از چندین دهه در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند و با کمک‌های سازمان ملل متحد و منابع دیگر امرار معاش می‌نمایند و اکنون بیشتر از ۱۰٪ جمعیت اردن را تشکیل می‌دهند.

فلسطینیان ساکن اردن با این‌که با اردنی‌ها درآمیخته‌اند، ایدئولوژی‌های خاص خود را به صورت سازمان اداری فلسطین متبلور ساخته، و شرایطی به وجود آورده‌اند که عامل اصلی برخوردهای بین‌المللی و جنگ و جدال‌های پراکنده دهه ۱۹۷۰ میلادی و پس از آن در منطقه بوده است. (پیشین، ص ۵۱۵-۵۱۶).

### ب) اردنی‌ها

اصلی‌ترین عنصر مربوط به ترکیب جمعیتی اردن، اردنی‌های ساکن ساحل شرقی هستند که از گذشته‌های دور در آن‌جا به کارهای کشاورزی اشتغال داشته، اکنون هم بیشتر امور کشاورزی و فعالیت‌های خدماتی کشور خود را بر عهده دارند.

### ج) بادیه‌نشینان

سومین عنصر جمعیتی در اردن بادیه‌نشینان‌اند. در گذشته اردن به عنوان یک کشور بدوی خوانده می‌شده است. اینان به رغم کمی جمعیت، یعنی ۵٪ تا ۷٪ کل جمعیت اردن، نقش مهمی در زندگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور ایفا می‌کنند. آنان از لحاظ نوع معیشت، زندگی بادیه‌نشینانی خود را با تمام ویژگی‌های آن حفظ کرده‌اند و در محل زندگی آنان قوانین سنتی قبیله‌ای هنوز هم نافذتر از قوانین دولتی است. آنان به سبب جنگاوری خود همواره در خدمات نظامی پذیرفته شده، و اعتماد مسئولان حکومتی را به خود جلب کرده، و به سبب نقشی که در پایداری حکومت برعهده داشته‌اند، رؤسای قبایل و افراد برجسته آنان از مزایای رسیدن به درجات بالا و قبول مسئولیت‌های حساس در صفوف نظامی برخوردارند. از اینها گذشته، بدویان بخش عمده‌ای از نیروی کار کنونی اردن را تشکیل می‌دهند و در سال‌های اخیر، زندگی در روستاهای شهرمانند را که از وسایل جدید برخوردار است، برگزیده‌اند. (پیشین، ص ۵۱۶).

مهم‌ترین قبایل بدویان عبارت است از: بنی‌خالد، بنی‌صحر، حویطات و رحان. از جمله قبایل بدویان، اعراب نزاری‌اند که از شمال عربستان آمده‌اند و گروه دیگر، اعراب قحطانی هستند که از یمن به اردن کوچ کرده‌اند. بدویان اصولاً مردمی سرسخت و بیگانه با دنیای شهر می‌باشند و با

روستانشینان نیز روابط خوبی ندارند، هر چند امروزه دگرگونی‌هایی در شیوه زندگی عده‌ای از آنان حاصل گردیده است.

چنانچه اشاره شد، ارتش اردن عمدتاً از بدویان تشکیل یافته است و افسران بلندپایه ارتش، بیشتر بدوی می‌باشند. در شرق اردن، جلوه‌های زندگی بدوی بیشتر به چشم می‌خورد و الگوی زندگی بدوی، الگویی برای دیگر ساکنان اردن است. آنچه باعث حفظ شیوه زندگی بدوی که در بیش از ۲/۳٪ شرق اردن زندگی می‌کند، گردیده است، وجود نواحی کم‌باران است که بادیه نامیده می‌شود. (ملکی، پیشین، ص ۹۸).

### اقلیت‌های قومی (چرکس‌ها و چچن‌ها)

در میان جمعیت اردن، شمار اندکی عناصر غیرعرب مشاهده می‌شود که اقلیت‌های قومی را به وجود می‌آورند، مانند چرکس‌ها و چچن‌ها. در میان این اقلیت‌ها از همه مهم‌تر چرکس‌ها هستند که شمار آنان از ۲۵ هزار تن تجاوز می‌کند. آنان بازمانده دسته‌های قفقازی هستند که به وسیله سلاطین عثمانی به منطقه کوچانده شده‌اند تا کمکی به برقراری امنیت و نظم در بادیه‌ها کرده باشند. مهاجرت آنها در سال ۱۸۸۰ به دنبال کنگره ۱۸۷۸ برلین بود که ناحیه قفقاز را به روسیه داد، و آنها از آن قسمت به جنوب امپراطور عثمانی آمدند. دولت اردن آنها را در قسمت شمال شرقی اردن و جنوب سوریه سکونت داد.

چرکس‌ها گروه مشخص سنی را تشکیل می‌دهند. دولت اردن اقلیت چرکس‌ها را به رسمیت شناخته، و به موجب قوانین سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۸۶م، در ازای هر پنج هزار نفر یک کرسی در مجلس شورای ملی به آنان اختصاص داده است.

چرکس‌های اردن در مقابل حمایتی که از حکومت به عمل آورده، و صمیمیتی که در این راه از خود نشان داده‌اند، از فرصت‌های اداری و اجرایی بیشتر، به خصوص در نیروی هوایی و سازمان اطلاعات و مقامات دیگر دولتی برخوردارند.

چرکس‌ها در کنار زبان محلی خود، به زبان عربی نیز به راحتی زبان مادری صحبت می‌کنند. امروزه با توجه به ازدواج‌هایی که بین آنها و عرب‌ها صورت می‌گیرد، کم‌کم وجه تمایز آنها کمتر می‌شود.

چچن‌ها که بیش از دو هزار تن می‌باشند گروه شیعه را تشکیل می‌دهند که با گذشت سال‌ها، زبان و آداب ملی خود را حفظ کرده‌اند، گرچه با وضعیت فرهنگی بیست‌ساله اخیر و گسترش رفت و آمد توریست‌ها و تجار خارجی و ارتباط بیشتر قومیت‌های اردنی، در حال مستهلک شدن در جامعه

اردنی می‌باشند. چچن‌ها یک کرسی در مجلس شورای ملی اردن دارند. (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۵۱۶؛ ملکی، پیشین، ص ۹).

### دروزیه

فرقه دروزیه که از انشعابات فرقه اسماعیلیه‌اند بیشتر در مناطق لبنان، سوریه و نواحی اطراف این کشورها زندگی می‌کنند. در امان، پایتخت اردن، تعدادی از دروزی‌ها ساکن‌اند. گرچه عدد آنان بسیار کم بوده و شاید از دویست نفر تجاوز نکند، اما به عنوان گروهی که از ویژگی خاص دینی برخوردارند، مطرح می‌باشند.

### اقلیت‌های دینی و مذهبی دیگر

علاوه بر گروه‌های دینی مسیحیت، شماری یهودی سامری نیز در اردن وجود دارند که از گذشته‌های دور در این سرزمین مانده و آداب و رسوم مذهبی خود را حفظ کرده‌اند. (موسوی بجنوردی، پیشین).<sup>۱</sup>

ادامه دارد.

۱- چون این مقاله ادامه دارد، معرفی منابع آن در قسمت بعدی ارائه خواهد شد.